

[سمیه خلیلی آشتیانی]

مسئله خلافت حضرت رسول اکرم ﷺ و امامت، با حیات فکری، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی امت اسلامی رابطه‌ای استوار و تعیین‌کننده دارد. با توجه به این اهمیت و بنا به رویکردهای متفاوت کلامی به موضوع امامت، شاهد نگارش آثار متعددی در این زمینه توسط متکلمان امامیه و سایر فرقه‌های کلامی هستیم؛ سید مرتضی، متکلم بزرگ امامیه، نیز با نگارش الشافی فی الامامة، اشکالات و شبهات مطرح شده در المغنی فی ابواب التوحید والعدل، اثر قاضی عبدالجبار معتزلی، را در باب امامت پاسخ گفته است؛ این نوشته به معرفی این میراث بزرگ و گران قدر کلامی امامیه می‌پردازد.

قبل از پرداختن به کتاب، معرفی اجمالی از شخصیت سید مرتضی و خصوصاً قاضی عبدالجبار به عنوان متکلمی معتزلی در مقابل سید مرتضی، شایسته به نظر می‌رسد.

الشافی فی الامامة

نام کتاب و صحت انتساب آن

نام‌گذاری کتاب توسط شخص سید مرتضی صورت پذیرفته است. دلیل صحت این ادعا، آمدن نام این کتاب در دو کتاب دیگر سید مرتضی است که بعد از الشافی به نگارش درآمده‌اند؛ وی فصل امامت در کتاب الذخیره فی علم الکلام را این گونه آغاز می‌کند: «اَنَا وَان كُنَّا قَدْ أَوْرَدْنَا فِیْ كِتَابِنَا الشَّافِیَ فِیْ الْإِمَامَةِ كُلِّ مَا یَحْتَاجُ إِلَیْهِ فِی

۱. دانشجوی دکترای الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی smh.khalili@gmail.com.

هذا الفن من الكلام و...»^۱؛ ودر آنجا که از عصمت امام سخن می‌گوید، خواننده را برای مطالعه تکمیلی در این موضوع به الشافی ارجاع می‌دهد: «وقد أحکمنا هذا كله في الكتاب الشافی...»^۲؛ وی در مقدمه کتاب المقنع فی الغیبة نیز آورده است: «وإن كنت قد أودعت الكتاب الشافی فی الامامة وکتابی فی تنزیه الانبیاء والاثمه علیهم السلام من الكلام فی الغیبة...»^۳.

مرحوم نجاشی و شیخ طوسی هم به ترتیب در رجال^۴ والفهرست^۵ با همین نام، این کتاب را در شمار آثار سید مرتضی ذکر می‌کنند.

شیخ آقابزرگ تهرانی هم در الذریعه در مدخل حرف شین از این اثر نام می‌برد و آن را متعلق به سید مرتضی می‌داند. وی تنها برنام کتاب، بخش دومی می‌افزاید: الشافی فی الامامة وابطال الحجج العامه.^۶

نویسندگان دیگری نیز در کتاب‌هایشان از این اثر با همین نام یاد می‌کنند و آن را متعلق به سید مرتضی می‌دانند؛ برای مثال، حدود دو قرن بعد از وفات وی، ابن ابی الحدید در شرح مشهوری که بر نهج البلاغه دارد، مواضعی از این کتاب در امامت خاصه را به نام سید مرتضی نقل و نقد می‌کند.^۷

به نظر می‌رسد عواملی مانند شیوه نگارش کتاب و سبک متفاوت سید مرتضی در پاسخ‌گویی به شبهات قاضی و قریحه ادبی و قلم دشوار وی، رفاه سید مرتضی که

۱. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین، الذخیره فی علم الکلام، ۴۰۹.

۲. همان، ۴۳۳.

۳. همو، المقنع فی الغیبه، ۳۱ و ۳۲.

۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ۲۷۰.

۵. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۱۶۴.

۶. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی التصانیف الشیعه، ۸/۱۳.

۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۴۱/۲ و ۳۲۸.

امکان نسخه‌برداری‌های متعدد از این کتاب را فراهم می‌آورده است و تلخیص شیخ طوسی از این کتاب که با فاصله کمی از نگارش آن انجام شده است، سبب حفظ کتاب از گزند نقص، تحریف و تصحیف باشد.

موضوع کتاب

سید مرتضی اشکالات و نقض‌هایی را که قاضی عبدالجبار در کتاب المغنی فی ابواب التوحید والعدل و در جلد بیستم آن بر عقیده امامیه در باب امامت وارد کرده، در الشافی پاسخ گفته است. وی به صورت گزینشی به اشکالات و ردیه‌های قاضی در مباحث امامت عامه و خاصه پاسخ داده، اما عناوین و موضوعاتی که برای پاسخگویی انتخاب نموده و به بحث کشیده است و نیز حجم کمی کتاب، گواه اهتمام او بر جامع و مانع نمودن کتابش در تمام مباحث امامت اعم از امامت عامه و خاصه دارد. این کتاب در ۲۲ فصل تنظیم شده است.

انگیزه و تاریخ نگارش کتاب

اشکالات و شبهاتی که قاضی عبدالجبار به عنوان شیخ معتزله بر عقیده امامیه در باب امامت وارد کرده است و تاختن او بر امامیه خصوصاً بر سر مسئله غیبت امام عصر علیه السلام و قرابت نگارش کتابش، المغنی، با دهه‌های اولیه غیبت کبرا و کانون توجه قرار گرفتن موضوع امامت و رهبری جامعه اسلامی از سوی متکلمان مسلمان و به ویژه امامیه^۱ در آن مقطع، شاید مهم‌ترین انگیزه برای سید مرتضی در تألیف چنین کتابی باشد.

عامل دیگری که انگیزه ساز نگارش این کتاب می‌تواند باشد، غلبه عقل‌گرایی در تحلیل مسائل کلامی در میان معتزله و امامیه است؛ و این قرابت، بعضی از تراجم

۱. در این دوره آثاری چون الامامه والتبصره، کمال الدین، الغیبه نعمانی والغیبه شیخ طوسی به نگارش درآمده‌اند.

نویسان چون ذهبی وابن حجر عسقلانی را به خطا انداخته است؛ چراکه ایشان سید مرتضی را در شمار معتزله ذکر می‌کنند!

ذهبی در *میزان الاعتدال* درباره او چنین آورده است: «علی بن الحسین الحسینی الشریف المرتضی المتکلم الرافضی المعتزلی ...»؛^۱ ابن حجر نیز با عنوان «المتکلم الرافضی المعتزلی» از او یاد می‌کند.^۲

بنابراین، سید مرتضی با تألیف چنین کتابی صف خود را از معتزله جدا می‌کند و با پاسخ به اشکالات قاضی، مقایسه‌ای میان تفکر معتزلی و شیعه اثناعشری انجام داده و دیدگاه امامیه را به همگان می‌نمایاند؛ افزون بر آن، از گمان‌هایی نظیر اینکه معتزله تنها در برخی موارد جزئی با امامیه اختلاف دارند و یا اینکه این دو مذهب کلامی به یکدیگر وابسته‌اند، پرده برمی‌دارد.

از تاریخ نگارش کتاب، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ با توجه به مقدمه *المقنع فی الغیبة* و اشاره‌ای که به این کتاب در *الذخیره* خود دارد، مشخص است که الشافعی قبل از این دو کتاب به نگارش درآمده است؛ اما به تاریخ اتمام یا آغاز نگارش آن اشاره‌ای نکرده است.

روش مؤلف در این کتاب

سید مرتضی، شبهات قاضی عبد الجبار را، آن‌چنان‌که خود در مقدمه کتاب اظهار نموده، به خلاف میل باطنی‌اش به اختصار پاسخ گفته است. از گفته وی برمی‌آید، آوازه *المغنی* به اورسیده بوده و یکی از آمال و اهداف سید مرتضی پاسخ به قاضی و نوشتن نقضی بر جزء امامت این کتاب به صورت مفصل بوده است؛ اما وقتی این کتاب به دستش می‌رسد، موانعی او را از رسیدن به این مقصود باز می‌دارد. بنابراین

۱. ذهبی، محمد بن احمد، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ۱۲۴/۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، ۱۷/۵.

سید مرتضی علی رغم میل باطنی اش، به اختصار شبهات او را پاسخ گفته و کتابش را نقض کرده است.

وی در مقدمه در این باره چنین می گوید:

وقد كنت عذمت عند وقوع هذا الكتاب فيدي على نقض ما اختص منه
بالامامة على سبيل الاستقصاء فقطعني عن امضاء ذلك قواطع ومنعت
منه مواع كنت متوقفاً لانهساها... .

سید مرتضی در نقل قول از المغانی نیز شیوه اختصار را در پیش گرفته است؛ وی تنها ابتدای هر شبهه و یا بخشی خاص از سخن قاضی را ذکر می کند؛ ولی در انتقال مطلب به خواننده، یا به عبارت بهتر، روشن نمودن موضع خطای سخن قاضی و شبهه ای که مقصود او بوده، موفق است.

سید مرتضی در کتابش فضای یک مناظره رودرورا برای خواننده بازسازی می کند؛ وی به گونه ای به قاضی پاسخ می دهد که مخاطب با خواندن کتاب احساس می کند قاضی در مقابل سید مرتضی بوده است. گاه برای محکم نمودن کلامش، با آوردن شبهات و اشکالاتی فرضی از سوی قاضی و پاسخ گفتن به آن، خواننده را مجاب می کند.

کارهای انجام شده در رابطه با این کتاب

قدیمی ترین نسخه چاپی کتاب، به صورت چاپ سنگی متعلق به سال ۱۳۰۱ هجری در ایران است و همان نسخه ای است که شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه از آن یاد می کند. این کتاب یک قرن به فراموشی سپرده می شود تا اینکه در سال ۱۴۱۰ هجری، مؤسسه انتشاراتی الصادق، در ۴ جلد اقدام به چاپ و نشر آن می کند که همان نسخه تصحیح شده الشافی توسط عالم جلیل القدر، سید عبدالزهراء الخطیب الحسینی، است.

این کتاب حدود ۱۷ سال تجدید چاپ نشد تا در سال ۱۳۸۴ دیگر بار همان مؤسسه دست به انتشار آن به صورت دوجلدی زد.

از الشافی سه تلخیص به دست ما رسیده است؛ تلخیص شیخ طوسی با عنوان *تلخیص الشافی*؛ و دو تلخیص دیگر با عنوان *ارتشاف الشافی من سلاف الشافی* و *صفوة الصافی من رغة الشافی* از جناب سید بهاءالدین محمد بن محمد باقر الحسینی السبزواری، از علمای قرن ۱۲، که مختصرتر از تلخیص قبل هستند.

مشهورترین تلخیص، همان خلاصه شیخ طوسی است که امروزه در دسترس بوده و چند ناشر هم به چاپ آن اقدام کرده‌اند.

متأسفانه این کتاب فاقد ترجمه مستقل است. شاید متن دشوار کتاب و نقل قول‌های مستقیم سید مرتضی از کتاب *المغنی* که موجب شده است دو متن ناظر به هم باشند، بر سختی ترجمه آن افزوده باشد.

غیر از یک تصحیح و سه تلخیصی که از این کتاب موجود است، پایان‌نامه‌ای نیز توسط نگارنده این نوشتار برای اخذ درجه کارشناسی ارشد با عنوان *بررسی تطبیقی ادله عقلی و نقلی امامت عامه از دیدگاه سید مرتضی در الشافی فی الامامه وقاضی عبد الجبار در المغنی فی ابواب التوحید والعدل* ارائه شده است؛ این پایان‌نامه در اسفندماه سال ۱۳۹۱ با عنوان *ادله امامت عامه از دیدگاه سید مرتضی و قاضی عبد الجبار توسط انتشارات نبأ به زیور طبع درآمد*.

در این اثر افزون بر فهرست نویسی جدید بر الشافی سعی شده با پرداختن به تمام مباحث امامت عامه و برگردان آن‌ها به زبان فارسی، توضیح نکات مبهم و کاستن از دشواری‌های آن، آوردن پیشینه موضوعات مختلف مطرح شده در کتاب از میان آراء متکلمان به نام امامیه از قرن دوم تا هشتم و نیز آراء متکلمان معتزله، خواننده با یافتن موضع امامیه و معتزله در آن موضوع، به فهم بهتری از اشکال قاضی و پاسخ سید مرتضی نائل آید.

با اینکه کتاب شافی بسیار شناخته شده است، شگفت اینجاست که کهن‌ترین

نسخه خطی آن، بر اساس فهرست دست‌نوشته‌های ایران، دنا، متعلق به ۹۸۵ ق است؛ ولی بیشترین نسخه‌های آن مربوط به سده یازدهم و دوازدهم است.^۱ این نکته، بابتی برای پژوهش نسخه‌شناسان برای یافتن نسخه‌های کهن‌تر این کتاب، می‌گشاید. همچنین باید دانست که پس از گذشت ده‌ها سال از تحقیق متن توسط مرحوم سید عبد‌الزهراء خطیب، با شناخته شدن این نسخه‌ها، جای تحقیق مجدد متن هست. افزون بر آن، عظمت و اهمیت و استواری محتوای متن، پژوهش‌های دانشگاهی بیشتری را در این باره طلب می‌کند. امید است که مراکز دانشگاهی و پژوهشی به این مهم بیشتر توجه کنند.

فهرست منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة الى تصانیف الشيعة، تنقیح احمد المنزدي، تهران: مكتبة الاسامية.
- ابن ابی‌الحديد، عبد‌الحميد بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: داراحياء الكتب العربية.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، لسان الميزان، تحقيق: محمد عبد‌الرحمن المرعشلي، بيروت: داراحياء التراث العربي، ۱۴۲۲ هـ.
- ذهبي، محمد بن احمد، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دارالفكر، بی‌تا.
- سيد مرتضى علم الهدی، علی بن حسین، تنزیه الانبياء، چاپ دوم، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۰۹ هـ.
- _____، الذخيرة في علم الكلام، تحقيق: سيد احمد الحسيني، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۱ هـ.
- _____، الشافي في الامامة، تحقيق: سيد عبد‌الزهراء الحسيني الخطيب، چاپ دوم، تهران: مؤسسه الصادق، ۱۴۱۰ هـ.
- طوسي، محمد بن حسن، الفهرست، تحقيق: شيخ جواد قیومی، چاپ اول، بی‌جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ هـ.
- نجاشي، احمد بن علي، رجال، تحقيق: محمد جواد النائيني، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ هـ.